

لقمان و تربیت اولاد

واذ قال لقمان لابنه وهو يعظه يا بني لا تشرك بالله

ان الشرك لظلم عظيم

بیاد آر زمانی را که لقمان بفرزند خود اندرز داد و گفت:

فرزندم! برای خداوند شریک قرار نده زیرا شرک ستم بزرگی است

مسائل مربوط به تعلیم و تربیت کودک یکی از امور مهم اجتماع کنونی بشر است، که

فکر دانشمندان را بخود متوجه ساخته است؛ و بدینوسیله فصل تازه ای در علوم آموزش و

پرورش باز شده و افکار تازه و سودمندی در این باره ابراز شده است و سازمانهایی برای رفع

نیازمندیهای علمی و تربیتی کودک بوجود آمده و این قسمت بصورت رشته تخصصی درآمده است.

دانشمندان بخوبی دریافته اند که زیر بنای زندگی در دوران کودکی پی ریزی میشود،

و سماد و شقاوت ادوار مختلف زندگی یعنی دورانهای جوانی و پیری در گرو طرز تربیت

دوران کودکی است.

با اینکه شخصیت انسان بستگی بموامل گوناگونی دارد که هر کدام از آنها تأثیر مهم

→ بدنال آن باشد جلوگیری نمایند.

۳ - داستانهای همراه کننده - متأسفانه قسمت مهم و قابل توجهی از مطبوعات ما

را داستانها و رمانها تشکیل میدهد، باز اگر این داستانها آموزنده بود مطلبی. ولی بد بختانه

در بسیاری از موارد نه تنها نتیجه علمی؛ اخلاقی؛ یا اجتماعی ندارد بلکه جدا مسموم و گمراه

کننده و وسوسه انگیز است. باید باستناد قانون مطبوعات که نشر اوراق مضله و مطائب

منافی عفت و مضر با اخلاق عمومی را قدغن کرده، از اینگونه داستانها و رمانها

جلوگیری نمود، و عملاً بگردانندگان اینگونه مطبوعات حالی کرد که آنها حق ندارند برای

تأمین منافع نامشروع خود مصالح اجتماع را زیر پا بگذارند.

این چند جمله مختصر راجع بوضع مطبوعات از نظر اخلاقی و دینی و تربیتی بود که در اینجا

گفته شد. تا چه قبول افتد و چه، در نظر آید؟

درس نوشتن انسان دارد، و دوران کودکی یکی از آنها است. مع الوصف این قسمت در نظر دانشمندان اهمیت بسزائی دارد .

قلب و روان کودک بسان صفحه کاغذیست که در دست نقاش چیره دست قرار گیرد هر نقشی که روی آن ترسیم شود تا آخر عمر صفحه باقیست.

فرض کنید قطعه سنگ مرمری در دست استادکار هنرمندی قرار گرفته است ، از آنجا که او یک سنگتراش توانا، يك صنعتگر ماهر یا يك مجسمه ساز قوی پنجه است دهها فکر و خیال درباره آن مینماید ، ولی اگر دست به پیکر آن ماده زد ، و آنرا بصورت مجسمه یکی از نوابغ جهان ؛ یا یکی از اشیاء ظریفه درآورد؛ همه گونه امکانات و استعدادهایی که قبلادر این قطعه مرمر وجود داشت، با تصرف مزبور از بین میرود ، و این صورت با این ماده تا آنجا که ماده توانائی بقاء دارد ، همراه است .

روح و روان و دستگاہهای حساس کودک در آغاز زندگی از جهات بسیاری مانند همین ماده خامی است که برای همه گونه فعلیتهای و صورتهای ؛ برای همه رقم تربیتهای و پرورشهای آمادگی دارد و اگر اولیاء کودک حسن ابتکار بخرج دادند و فطرت پاک و احساسات ارزنده او را ، باشیوههای پسندیده رهبری نمودند ، سر نوشت او را از این طریق روشن کرده اند و اگر در این راه سهل انگاری نمایند ، و باروشهای غلط و پرورشهای ناستوده فطرت او را آلوده سازند ، بدانند که مقدمات بدبختی کودک را فراهم ساخته اند ، بطوریکه اگر عوامل دیگر شخصیت ساز از قبیل محیط زندگی و یا فرهنگ بداد او نرسد ، آثار اینگونه تربیتهای زود یادیر در طی زندگی او نمایان خواهد شد.

علی (ع) میفرماید : **انما قلب الحدیث كالارض الخالیة ما لقی فیها من شیء** قبلته یعنی : دل جوان نورس همچون زمین کشت نشده و بکراست که هر بذری در آن بپاشند می پذیرد .

بنابراین جادارد بگوئیم که مغز کودک مانند فیلم عکاسی است ؛ از آنچه می بیند و مشاهده میکند عکسبرداری مینماید

مسئولیت سنگین .

برخی از پدران تصور میکنند که مسئولیت آنها فقط منحصر به تامین نیازمندیهای جسمانی کودکان است . و دیگر وظیفه ای ندارند ، در صورتی که پرورشهای اخلاقی و ایمانی بزرگترین مسئولیتی است که بردوش آنها گذارده شده است و این مسئولیت ارزنده تراز تامین حوائج مادی آنهاست .

دومین شخصیت جهان اسلام امیر مؤمنان میفرماید :

مانحل والدولدا نحلا افضل من ادب حسن : بهترین هدیه‌ای که پدر میتواند به

فرزند خود بدهد همان تربیت پسندیده است .

مسئولیت پدران در این باره بقدری سنگین و قابل توجه است که امام سجاد در انجام دادن

این وظیفه خطیر از خداوند استمداد میکند ، و در ضمن راز و نیاز خود چنین عرض میکند :

واعنی علی تربیتهم و تادیبهم و برهم : بارالها مرا در تربیت و تادیب فرزندان و نیکی
بآنها یاری فرما !

اگر پدران حق اطاعت در کردن فرزندان دارند فرزندان نیز حق بزرگتری

در عهده پدران دارند و آن حق تربیت ، یعنی آموختن راه و رسم زندگی از طریق صحیح ،

پرورش دادن سجایای انسانی است که در فطرت او تعبیه شده است .

اگر دانشمندان امروزی با اهمیت تربیت کودکان و راهنمایی رجال آینده کشور برده اند

و با تشکیل جلسات و نوشتن کتابها و جزوه‌ها ، و نشان دادن فیلمهای اخلاقی و علمی گامهای بلندی

در این راه برداشته اند ، رهبران عالیقدر اسلام و پیشوایان مذهبی ما از ۱۴ قرن پیش با دادن

دستورات لازم ، و ارشاد و راهنماییهای سوده‌مند ، با پرورش دادن کودکان و فرزندان خود

قدم مؤثری در این راه برداشته اند .

اگر دانشمندان روانشناس ؛ استادان آموزش و پرورش بر نامه‌های تربیتی خود در از دورانی

شروع میکنند که کودک چشم و گوش خود را باز کرده در آستانه چیز فهمی است ولی اسلام بر نامه

وسیع خود را برای تحقق یافتن سعادت کودک پیش از آنکه نطفه او آغاز مینماید .

زیرا اسلام درباره پیوند زناشویی دستورات کافی و لازم دارد ، و در پیوندهای اولیه

بکلیه جهات توجه نموده و از ازدواج بادیوانکان و ابلهان و میگساران بشدت جلوگیری

نموده و در انتخاب همسر به ریشه خانوادگی و شرافت موروثی اهمیت فوق العاده داده است .

رسول اکرم فرمود : از « **خضرء الدهن** » (گیاهانی که در نقاط آلوده میروید)

بپرهیزید عرض کردند : منظور چیست ؟ ، فرمود زن زیبایی که از خاندان بدو پلید بوجود آمده باشد .

برای حالت آمیزش آداب و وظائفی معین فرموده که مراقبت هر کدام در سعادت و

خوشبختی کودک تأثیر بسزائی دارد ، و بالاخص از آمیزش در حال مستی که يك جنایت واقعی

است ، و کودکانی که غالباً در این حال نطفه آنها بسته میشود از عوارض عصبی درمان ناپذیر

بی نصیب نیستند ؛ بالحن شدیدی نهی فرموده است تنها باین قسمت اکتفاء نکرده در ایام بار-

داری و پس از وضع حمل با موشکافی شگفت آوری تمام شئون پرورش کودک را مدنظر قرار داده

است ، تا آنجا که به پدران دستور داده است ، نام نیکی برای فرزندان انتخاب نمایند ، زیرا نام ؛ خصوصاً نامی که حاکی از بندگی کودک نسبت بخداوند یکتا باشد ، از نظر روانی اثر خوبی در روح کودک دارد .

دستور داده است که کودک را پس از تولد با آب پاک و تمیزی شستشو دهند ، و در گوشهای او اذان و اقامه بگویند ، تا از روز نخستین گوشهای او با کلمات و جمله هائی که حاکی از وحدانیت خدا و رسالت نبی اکرم و دعوت بکارهای نیک است آشنا گردد . اگر آنروز مردم حکمت این تعالیم عالیه را در نمی یافتند ، امروز پیشرفت دانش پرده از روی این مطالب برداشته است دستورات اسلام درباره تربیت کودک بقدری زیاد است که نقل یکصدم آنها برای ما مقدور نیست ، ولی خوشبختانه امروز این مسائل زنده و ارزنده مورد توجه دانشمندان است ، و نویسندگان و گویندگان ما با طرز جالبی نظر اسلام را در باره نحوه تربیت کودک بیان میکنند (۱)

ایجاد شخصیت در کودک

مربیان کودک باید متوجه باشند که کودک یک انسان بتمام معنی واقعی است ؛ چیزی از انسانیت کم ندارد ، چیزی که هست در حال رشد و تکامل ، در حال پیشرفت و پرورش است ؛ و هر بی باید از ذخائر و سرمایه های معنوی و فطری او بتدریج بهره برداری کند .

یکی از طرق بهره برداری که اساس آن را اسلام پی ریزی کرده و امروز اساسی ترین اصول آموزش و پرورش است ، همان احیاء شخصیت اوست یعنی باید بطفل فهماند که تو یک انسان واقعی هستی ؛ و بسان یک انسان کامل با او سخن گفت ، مطالب علمی و اجتماعی ؛ روشهای صحیح و اخلاقی را در افاق فکر او توضیح داد ؛ به سخنان او بطور دقیق گوش داد ، و مانند یک انسان کامل به گفت و شنود او پرداخت دست از تشریح و توضیح و افهام برداشت ، تا آنجا که طفل حقیقت را بفهمد و باور کند .

ما در اینجا نمونه ای از طرز تربیت اسلامی نقل میکنیم تا گواهی برای گفتار خود آورده باشیم .

امام مجتبی روزی فرزندان و برادرزادگان خود را دعوت کرد ؛ و رو بآنها کرده فرمود :

(۱) برای اطلاع بیشتر از دستوره های جامع و ارزنده اسلام در موضوع تربیت کودک به کتاب نفیس و پرارزش «کودک» اثر خطیب دانشمند جناب آقای فلسفی که شاهکار ارزنده ای در نوع خود محسوب میشود ، مراجعه فرمائید .

انکم صغار قوم و یوشک ان تکنونوا کبار قوم آخرین فتعلموا العلم فمن لم یستطع منکم ان یحفظه فلیکتبه ولیضعه فی بینه یعنی شما کودکان امروز اجتماع هستید و امید است که بزرگان اجتماع آینده شوید، دانش بیاموزید، و تحصیل علم کنید و هر کس از شما که نمیتواند مطالب را حفظ کند، درس خود را بنویسد و در مواقع لزوم بآن مراجعه نماید.

اکنون دقت کنیم امام مجتبی چگونه میخواهد فرزندان خود را تربیت کند؟ او میخواهد فرزندان دانش بیاموزند، در این راه میتواند به شدت خشونت متوسل گردد، و با سیطره و فشاری که بر کودکان داشت، آنها را وادار بدرس خواندن نماید ولی از این راه وارد نشد؛ زیرا اثر آن موقت، و باعث پیدایش عقده‌هایی است که بعدها جبران ناپذیر است. او از در ایجاد شخصیت، باز کردن فکر کودک، امیدوار ساختن کودک بآینده خود، با تشریح منافع دانش آموزی وارد شد، و عملاً برای آیندگان روش صحیح تربیت را آموخت.

لقمان و تربیت اولاد

اندرزهایی که لقمان حکیم به فرزند خود گفته: و قرآن مجید بمنوان برنامه‌های تربیتی آنها را در این مورد آورده است، همگی بر اساس ایجاد شخصیت در فرزند استوار است، همان اساسی که امام مجتبی پی‌ریزی کرد، همان روشی که امروز در کشورهای متمدن تعقیب میشود. از جمله **واذ قال لقمان لابنه و هو یعظه**: بدست می‌آید که تربیت فرزند جزء برنامه لقمان بوده است. او بسان پدران فعلی از تربیت اولاد غفلت نورزیده و اهمیت شایانی بآن میداده است.

اکنون باید دید چه مسأله‌ای را در آغاز اندرز گوئی، مطرح می‌سازد، از کجا شروع میکند؛ و چگونه اساس را پی‌ریزی مینماید.

او برنامه تربیتی خود را با فطری‌ترین مسائل که همان مسأله توحید و یکتاپرستی و بت‌شکنی است آغاز مینماید، هیچ مسأله‌ای ساده‌تر و روشن‌تر و مستندتر از مسأله «توحید» نیست که هر فردی با تکیه بر سرشت میتواند آنرا بفهمد، و در درک آن نیازی به دلائل پیچیده عقلی ندارد.

ما برای آنکه موضوع شرك و علل پیدایش آن محدودی که از طرف اسلام برای آن تعیین شده است مشروحاً بحث کنیم، تفصیل این قسمت را به شماره آینده موکول مینمائیم.